

# بازخوانی وقفنامه‌های از دوره ناصری

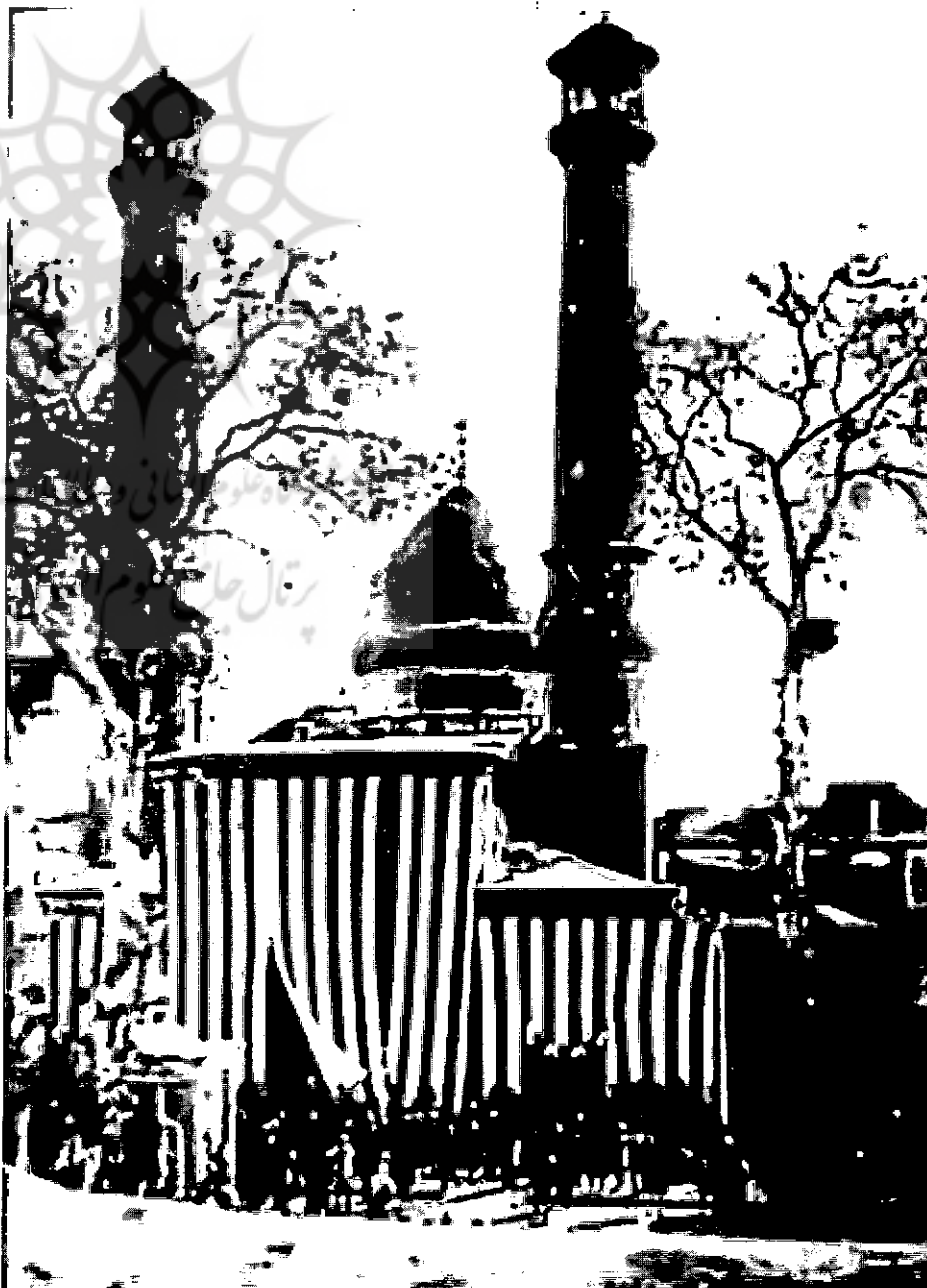
مرضیه مرتضوی

در سال ۱۳۸۷ تعدادی سند به صورت فرمان، مصالحه‌نامه، عقدنامه و وقفنامه توسط آقای مهدی حجت‌زاده به مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک اهدا شد. در میان این مجموعه اهدایی دو وقفنامه به چشم می‌خورد که یکی از آنها مربوط به وقف ملکی در بلوک غار ری توسط حاج کلعلی آغا خواجه در سال ۱۲۶۴ق و دیگری مربوط به وقف املاکی در محله سنگلج تهران به تاریخ ۱۲۹۵ق است. در این مقاله برآنیم تا اولین وقفنامه را که مربوط به منطقه ری می‌باشد با بررسی مفاد آن به خوانندگان معرفی کنیم.

شهر ری ناحیه‌ای قدیمی است که در عهد هخامنشی مابین دربند و دریای خزر و ماد قرار داشت ولی جزء ماد بزرگ به‌شمار می‌آمد. این منطقه از دوره هخامنشیان یکی از نقاط آباد و مهم ایران بود و در قرون اولیه اسلام نیز از معظم‌ترین مراکز آبادانی و سیاسی ایران محسوب می‌شد و مدتها پایتخت سلسله آل بویه بوده و در عهد سلجوقیان نیز شهر بزرگ و پرجمعیت و مهمی به‌شمار می‌رفته و در مواقعی هم پایتخت آنان بوده است.

گا، رگها، راگ و راک صورتهای پهلوی و پارسی باستان کلمه ری است. به روایت شاهنامه نام قدیم ری پیروز رام بوده و در اوستا و کتیبه بیستون به نام راگا نامیده می‌شده است. منطقه ری که در جنوب تهران واقع است به نقل از دهخدا به ۴ قسم بوده است: اول بهنام بعد سبورقرچ سوم فشاپویه و چهارم غار می‌باشد که این آخری ناحیه‌ای است در جنوب غربی تهران واقع در ۷ کیلومتری جنوب ری و ۳ کیلومتری مغرب جاده تهران قدیم - قم.

دریاب وجه تسمیه غار در لغت‌نامه دهخدا آمده است که امامزاده‌ای از فرزندان امام موسی کاظم(ع) را در ری قصد کشتن کردند و او از ظالمان فرار کرد و درنواحی جال کولی غاری پدید آمد و امامزاده پناه بدان غار برده غایب شد و الحال آن ناحیت را جهت غایب شدن آن بزرگوار ناحیت غار نامند و دارای ۴۰ پاره دیه است. مجموعه چندین قریه و ده که در منطقه غار شهری واقع گردیده به نام بلوک غار ری نامیده می‌شوند که از آن در این وقفنامه نام برده شده است. لازم به‌ذکر است که کلماتی که ناخوانا می‌باشند با ذکر کلمه [ناخوانا] و کلماتی که در متن داخل (پراترز) قرار گرفته‌اند به شجررف نوشته شده‌اند.



### بررسی متن وقفنامه

وقفنامه‌ها در تقسیم‌بندی کلی در زمره اسناد شرعی محسوب می‌شوند. این گونه اسناد معمولاً به طور ثابت ارکانی دارند که در تمامی وقفنامه‌ها رعایت می‌شود. لذا در این مجال بر آنیم تا ارکان اساسی ساختار یک وقفنامه را، با تأکید بر این وقفنامه به خوانندگان معرفی نماییم. این ارکان به شرح ذیل است:

- تحمیدیه: آغاز متن وقفنامه با نام و حمد و سپاس خدا و تجلیل از مقام پیامبر و امیرالمؤمنین است. نکته قابل توجه در این قسمت ذکر عنوان الواقف علی الضمائر و السرائر است که از همان ابتدا خواننده را متوجه می‌کند که این سند یک وقفنامه است.
- هدف واقف: در این وقفنامه واقف هدف خود را براساس باقی نهادن باقیات صالحات از خود ذکر کرده است.
- نیت واقف: نیت که یکی از مهمترین عناصر فقهی در اسلام است و شالوده اصلی در هر عمل محسوب می‌شود در این سند با عناوین قربة الی الله و طلباً لمرضاتہ آورده شده است.
- دائمی بودن وقف: واقف با ذکر کلمات وقف موبد و حبس مخلص شائبه موقتی بودن این موقوفه را از میان برداشته است.
- نوع وقف: در این سند وقف از نوع عام است که برای قاطبه و کافه مؤمنین اثنی عشریه وقف شده است.

- مصارف وقف: مانند سایر وقفنامه‌ها که درآمد هر موقوفه باید ابتدا به مصرف آبادی آن موقوفه برسد در این وقفنامه نیز ذکر شده که درآمد اولیه آن ابتدا باید صرف عمران و آبادی عین موقوفه گردیده و سپس بعد از کسر اخراجات به مصارف ذیل برسد:
- پرداخت یک عشر از منافع حاصله به عنوان حق التولیه به متولی؛

- مصرف سه عشر از این منافع جهت تعزیه‌داری و مرثیه‌خوانی و غلیان و طعام و آب و اجرت کارگر؛
- مصرف سه عشر دیگر جهت روشنایی آستانه و رواق و صحن امامزاده عبدالعظیم و امامزادگان حمزه و طاهر و تعمیر اماکن مزبوره؛
- از سه عشر باقیمانده یک ثلث مختص طلاب و مشتغلین علوم شرعیه ساکنین زاویه مقدسه [عبدالعظیم] و دو ثلث دیگر ویژه خدام این اماکن مقدسه در نظر گرفته شد.
- صیغه: از ارکان مهم یک وقفنامه است که در این وقفنامه به دو صورت فارسی و عربی جاری شده است.
- متولی: در این وقفنامه برای عین موقوفه یک متولی در نظر گرفته شده که با عنوان سرکار فیض آثار از وی نام برده شده است.
- عدم اجازه تصرف و تبدیل در عین موقوفه.
- تاریخ ماه و سال وقف.

### متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله واقف علی الضمائر و السرائر و الصلوة و السلام علی النبی الامی العربی الهاشمی القرشی المکی الابطحی التهامی المبعوث علی العبد و الحرائر و علی آله و اولاده و اصحابه المتأدبیین بأدابه سیما امیرالمؤمنین و سیدالوصیین امام البررة و قاتل الکفرة علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم من الآن الی یوم تبلی السرائر

مشخصات وقفنامه
ابعاد: ۳۵/۵×۶۹ سانتی متر
نوع خط: نستعلیق
نوع کاغذ: نخودی آهار مهره
تعداد سطح: ۴۲
تاریخ: ۱۲۶۴ ق

/ حمد و ثنای بی‌عدد و منتهی، سپاس و ستایش لایعد لایحصی حضرت خداوندی را سزااست جل شأنه که پرتو آفتاب عنایتش سبزه نباتات را در مزارع قلوب، اهتزاز داده و به آبیاری لطف شامل/کامل به حاصل باقیات صالحات می‌رساند تا ذخیره قحط سال (یوم لاینفع مال و لابنون)<sup>۱</sup> گردد و حکیمی که مهربان درگاه احدیتش به زبان بی‌زبانی ادای شکر نعمت‌های بی/منت‌های او نموده‌اند و به قدم اقرار به عجز و ناتوانی وادی نامتناهی او پیموده‌اند و شفای صدور مستمندان بیمارستان حیرت و هجران به نوای غمزدای عندلیب چمن ستایش هدایت/بخشی است که در گلشن ایجاد، هر غنچه را کتابی از معرفت خویش در جیب نهاده و هر شاخی از اوراق بسیار از دفتر شناسایی خود دست داده، اگر چنان است دستش/ به تضرع و افتقار<sup>۲</sup> به درگاه عالم اسرار گشاده اگر بید است و اله قدرت بی‌زوالش گردیده و سر به سجده تعظیم و تمجید نهاده و دریا به خروش حمد و تئایش، تریزان گردیده از صفحات/امواج سفینه از وصف جمالش در کف گرفته و برای مطالعه سوادخوانان خط صنایع جهان‌آفرین به سرانگشت نسیم ورق می‌گرداند، صحرا کمر گشوده و بر مسند کوه/ پشت دادار شنجرف سبزه و شقایق مجموعه مفصل الحقایق در دامن گذاشته به انواع نعمات دلنشین بدایع خلق صانع سموات و ارضی را به مسامع

قلوب ارباب یقین می‌رساند (کما عز من قائل و ان من شیء الا یسیح بحمده ولكن لا تفقهون تسیحهم)<sup>۳</sup> زهی لطف کامل و فضل شاملش که برای گم‌گشتگان و سالکان مسالک نجات و راهنمایی بر/ شوارع دینی از انبیای عالی‌شان اعلام رفیع ساخته و بر مشارع یقین آن را اوصیای رفیع مکان منابر صیغه پرداخته است و هر یک را به حلیه اخلاق علیه و آداب سنیه زیور داده برای رفع عساکر و وسواس شیاطین و شهات طائفه ملحد نیز به جنود معجزات قاهره و براهین باصره مؤید گردانید (قله الحمد علی ما اسبغ/ علینا من نعمائه و ارسل الینا من رسله و حججه فی ارضیه و سمانه و له الکشر علی ما عجزنا عن احصائه من قسم الاثنه) ضیاء بصائر ارباب یقین و جلای مسامع مقربین به مطالعه و استماع فضایل و مناقب سروری است که در طی مراحل و قطع منازل اصلاط طاهره و ارواح طیبه افواج انبیا و رسل دیده عرفان خویش را به کحل الجواهر غبار موکب/ همایونش جلا می‌دهند و از وفور اشعه انوار جلالش دیده‌شان از مطالعه جبین اطهرش خیره گردیده در مرآت عرش انور عکس

جمالش را مشاهده می‌نمودند/ و درود متواتر الورد و صلوات نامعدود بر آن خلاصه عالم ایجاد و شفیع یوم معاد اعنی مفخر انبیاء و زبده اصفیا (محمد) مصطفی صلی الله علیه و آله (وآل) بی‌مثالش/ صلوات الله علیهم اجمعین که در یکتای محبت و گوهر گرانبهای ولایتشان دره التاج هر ملک مقرب [ناخوانا] و هر پیغمبر مرسل گردیده و عروق شجره معرفت/ قدر و منزلتشان در ریاض قلوب صافی و حدایق صدور زاکیه ارباب عرفان و اصحاب ایقان دویده اگر مسبحان طبقه افلاک و مهندسان تخته خاک در مقام/ عدد مناقب بی‌انتهای ایشان بر آیند هر آینه سبزه انجم فرو ریزد و ریگ صحرا و قطره دریا و ذره هوا به آخر رسد و هنوز عسری از اعشار و اندکی از بسیار احصاء/ نکرده باشند پشت فلک افلاک خمیده احسان و کره خاک غریق امتنان ایشان است خشت زمین را به نام نامی ایشان ساختند و سرایر عرش را برای انوار ایشان/ افراختند فوج ممکنات از ظلمت باد عدم به روشنائی قندیل انوار ایشان قدم در ساحت وجود نهادند اگر وجود فیاض الجود ایشان نبودی احدی از طفلان/ موالید آبی علوی و امهات سفلی نراندی فصلوات الله علیهم اجمعین ابد الابدین و لعنة الله علی اعدائهم و مخالفهم.

بر صاحبان عقل و بینش مخفی نماناد/ که عامه ساکنین و قاطبه متوطنین رباط و سرای دودر<sup>۴</sup> را از شاه و درویش، مرگ و مردن در پیش است و چون غرض اصلی از سکنا در آن تحصیل باقیات

گا، رگها، راگ و راک صورتهای پهلوی و پارسی باستان کلمه ری است. به روایت شاهنامه نام قدیم ری پیروز رام بوده و در اوستا و کتیبه بیستون به نام راگا نامیده می‌شده است. منطقه ری که در جنوب تهران واقع است نه نقل از دهخدا به ۴ قسم بوده است: اول بهنام بعد سیور قرچ سوم فشاپویه و چهارم غار می‌باشند که این آخری ناحیه‌ای است در جنوب غربی تهران واقع در ۷ کیلومتری جنوب ری و ۳ کیلومتری مغرب حاده تهران قدیم - قم

صالحات است که ذخیره / روز عرصات است (لهذا) توفیق رفیق و شامل حال خیریت مآل عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه طائف بیت الله العالی (الحاج کلبعلی خواجه آغا) زید عزه و علاه گردیده و قریه الی الله و طلباً لمرضاته (وقف) صحیح مؤید و حبس صریح مخلد شرعی نمود بالطوع و الرغبه (همگی) و تمامی کل شش دانگ قریه محمود آباد / ملک ایتبای خود را که از قرای بلوک غار ری و به حدود ذیل محدود است با جمیع توابع و لواحق ممر و مدخل و منابع و مجاری و مزارع و مراتع و اراضی و صحاری و / براری و قلعه و بیوتات واقعه در آن و باغات و آسیا و سایر متعلقات و منضعات آن هر چه باشد بالتمام بدون وضع چیزی از آن کلا و طرا به قاطبه و کافه مؤمنین اثنی عشریه که هر ساله / منافع آن را بعد از وضع اخراجات و تعمیر و تنقیه و آبادی قریه مزبوره یک عشر از منافع و محصول آن را جناب متولی از بابت حق التولیه خود بردارد و از نه عشر باقی سه عشر را که یک ثلث آن باقی است / صرف تعزیه داری و مرثیه خوانی و

امورات متعلقه به آن از خرج خواننده و قهوه و غلیان و آب و طعام و اجرت خدمتکار و غیر ذلک نمایند، در هر مکان و زمان که صلاح دانند از برای حضرات / چهارده معصوم و متعلقین ایشان از شهدا و اسرا و امثال ایشان هر که در شریعت مطهره تعزیه داری برای ایشان مستحسن و مطلوب است و سه عشر دیگر را که یک ثلث دیگر است / صرف روشنایی آستانه و رواق و صحن مقدس امامزاده لازم التکریم و التعظیم حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه و امامزاده طاهر و تعمیر اماکن مشرفه مزبوره ایشان / نمایند و سه عشر باقی را که ثلث باقی است اثلاث نموده دو ثلث از آن را که دو عشر از کل است به حضرات خدام اماکن مشرفه مرقومه بدهند و یک ثلث از آن را / که یک عشر از کل است به حضرات طلاب و مشتغلین علوم شرعیه ساکنین زاویه مقدسه زاده الله شرفاً و عزاً و تعظیماً برسانند (و تولیت) عین موقوفه که قریه مرقومه است حسب القرار و الشرط در هر مرتبه مفوض است به جناب متولی فیض آثار (و صیغه) وقف مزبور به نحو مقرر در شریعت مطهره بالفارسیه و / العربیه ایجاباً و قبولاً جاری گردید و عالی جاه واقف سابق الانقلاب عین موقوفه را به قبض و تصرف جناب متولی الیه داده فصار الوقف وقفاً صحیحاً لازماً شرعياً و علیه التصریف فیه و صرف منافعہ فیما زیر و سطر (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه) اللهم وفقها واحفظهما عن جمیع البلیات / و الآفات و الحادثات به جاه (محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة الحسن علیهم السلام). و کان ذلک فی شهر شوال

المکرم از شهور سنه هزار و دو بیست و شصت و چهار سنه ۱۲۶۴.

سجلات از پایین به بالا سمت راست

- السواد و الاصل متطابقت متنا و هامشاً انا العبد [مهر بیضی:] محمد بن حسین الحسینی.
- السواد مطابق الاصل متنا و سجلاً [مهر بیضی:] محمد بن عیسی؟ الحسینی.
- بسمه تعالی السواد مطابق لاصله متنا و هامش [مهر ۸ گوشه:] عبده الخاطی محمد حسن ۱۲۸۷.
- بسم الله السواد مطابق مع الاصل متنا و هامشاً و انا العبد [مهر مربع:] لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد علی.

- بسم الله خير الاسماء و مطابق لاصله الملحوظ متناً و سجلاً حرره الاحقر [مهر بيضى]: الراجى مهدى الحسينى.

- بسم الله الرحمن الرحيم السواد مع اصله المعتبر متطابقان متناً و سجلاً حرره الاحقر فى سلخ جمادى الاولى ۱۳۱۸ [مهر بيضى]: الراجى محمد بن عبد الله الموسوى.

- السواد مطابق لاصله المعتبر متناً و هامشاً حرره [مهر بيضى]: والقاهر به الغنى محمد على بن على.

- بسم الله الرحمن الرحيم السواد مطابق لاصله المعتبر متناً و سجلاً حرره الاحقر فضل الله الموسوى [مهر مربع]: يستلك من يؤتبه فضل الله.

- بسمه تعالى مطابق لاصله المعتبر الذى لا يرتاب [ناخوانا] العمل بما اودع فيه ۲۹ جا ۱۳۱۸ حرره [ناخوانا] [مهر بيضى]: المتوكل على الله الغنى عبد الله على الموسوى.

- بسم الله الرحمن الرحيم مطابق لاصله المعتبر الذى يجب العمل بمقتضاه متناً و سجلاً حرره الاقل فى جمادى الاول ۱۳۱۸ [مهر بيضى]: عبد الراجى محمد حسين.

- قد وقع ما رقم فيه لى - محل مهر مرحوم جنت مكان خلد آشيان زين العابدين بن آقا سيد محمد ابراهيم ساكن زاويه مقدسه.

- قد قوبل ذا معهما متناً و سجلاً حرره الاحقر فى ج اول ۱۳۱۷ [مهر بيضى]: محمد تقى بن محمد حسين بن علي رضا الحسينى.

- قد اعترف بما سطر فيه لى - محل مهر مرحوم جنت مكان آقا سيد آقا باب الحسينى ساكن زاويه مقدسه.

- بسم الله الرحمن الرحيم [...] ذا مع اصله المتبر اكبر [ناخوانا] [مهر بيضى]: عبده حسين الرضى ۱۳۰۹.

- بسم الله تعالى نظر به سجلات العلماء الاعلام و الفقهاء الكرام طاب ثراهم و جعل الجنة مكانهم و مأواهم الوقف و القبض و شرايط الصحة و اللزوم بتمامها و كمالها حاصله فيها و محكوم بالصحة و اللزوم حرره الاحقر فى السادس و العشرين من ذى الحجة الحرام ۱۳۱۷ - محل مهر جناب مستطاب عمدة العلماء و زبدة الفقهاء سيد المجتهدين آقا سيد على اكبر تفرشى دام ظله.

### سجلات بالاي وقف نامه

- قد اعترف الوقف بما رقم فيه لى و انا العبد سنة ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم جنت مكان و رضوان خلد آشيان حاجى سيد آقا بزرگ

طاب ثراه.

- الامر كما سطر و رقم و انا العبد الجانى عبد الله المتولى الطهرانى - محل مهر مرحوم طاب ثراه.

- بسم الله تعالى الامر كما زير و رقم فيه لى و انا العبد المذنب - محل مهر مرحوم جنت مكان خلد آشيان طوبى مكان آقا شيخ محمد ابراهيم.

- بسم الله خير الاسماء قد صدر الوقف مزبور على نهج المرقوم و وقع القبض و الاقباض و التسليم و التسلّم و انا العبد الاحقر - محابل مهر مرحوم جنت مكان خلد آشيان رضوان جاينگاه آخوند ملاعلى اكبر كرماني طاب ثراه و جعل الجنة مكانه و مأويه

- قد اعترف الواقف بما رقم فيه لى و انا العبد - محل مهر مرحوم مغفور جنت مكان حاجى آقا كليدار آستانه مقدسه حضرت عبد العظيم.





- بسم الله تعالی قد ثبت و تحقق وقوع الوقف المزبور علی الوجه المسطور مقروناً بما يعتبر فيه صحة و لزوماً عندی فی ۱۲ شهر صفر ۱۲۶۹ - محل مهر مرحوم المغفور الساکن فی جوار رحمة الله المغفور حاجی ملا میرزا محمد اندرمانی ساکن طهران.

- الامر كما سطر و رقم فيه و انا العبد - محل مهر مرحوم جنت مکان خلدآشیان آقا سیدعلی ساکن زاویه مقدسه.

بسم الله تعالی شأنه نعم قد وقع الوقف الموبد المرقوم مقترناً بما هو معتبر فيه من شرائطه صحة و لزوماً فی شهر شوال المكرم من سنة اربع و ستين بعد الف و مأتین من الهجرة لدى العبد المحتاج الي عفو ربه الغنی - محل مهر مرحوم جنت مکان خلدآشیان رضوان آرامگاه ملا رجیعی ساکن زاویه مقدسه.

محل مهر مرحوم جنت مکان خلدآشیان رضوان جایگاه آقا شیخ رضا طهرانی طاب ثراه و جعل [...] بسم الله تعالی لاشبهة لی فی صدور الوقف مقروناً بشرائطه و ما يعتبر فيه علی النهج المرقوم - الجنة - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان شیخ العراقيين اعلم العلماء و العالمين و افقه المتقدمين و المتأخرين شیخ عبدالحسین طهرانی طالب ثراه.

- بسم الله تعالی قد جرت صیغة الوقف فی هذا الورقة لدى فی شوال المكرم سنة ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان طوبی آشیان عمدة العلماء و الملیین و زبدة الفقهاء و المجتهدين آخوند ملا عبدالكريم ساکن طهران.

- الامر كما سطر فيه و انا الاقل محمدین حسین الحسینی التتکابونی الشهیر بداماد.

- بسم الله خير الاسماء قد وضع و ثبت لدى كلما سطر فيه حرره فی ۱۱ شهر صفر ۱۲۶۹ - محل مهر مرحوم مغفور جنت مکان رضوان جایگاه الغریق فی بحار رحمة الله آقا شیخ مهدی طاب ثراه.

- بسم الله تعالی قد صدر الوقف و القبض و انا الاقل المذنب - محل مهر المرحوم المغفور عمدة الفقهاء و المجتهدين و زبدة العلماء العالمين افقه المتأخرين و اكمل السابقين شیخ عیسی الزاهر النجفی طاب ثراه و جعل الجنة مأواه و [ناخوانا].

- بسم الله العزيز المتعال جرت صیغه الوقف الصحيح المؤبد بشرائطها صحة و لزوماً مشتملة علی القبول منی و وقع القبض [...] الواقف الموفق فیشهد شوال المكرم من سنة اربع و ستين بعد الف و مأتین من الهجرة حرره ۱۲۶۴ - محل مهر مرحوم علیین آشیان اعلم العلماء العالمين افقه الفقهاء و المجتهدين حجة الاسلام و المسلمین حاجی ملا علی کنی اعلى الله مقامه و رفع فيه درجة فی اعلى علیین.<sup>۷</sup>

رساله جامع علوم انسانی

#### پی نوشت ها

۱. سوره شعراء، آیه ۸۸: (روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد).
۲. افتقار: حاجت به کسی پیدا کردن
۳. سوره اسراء، آیه ۴۴: (آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید).
۴. سرای دود: دنیا
۵. اکتناه: به کنه چیزی رسیدن
- ۶- سوره بقره، آیه ۱۸۱: (پس هر کس آن وصیت را بعد از شنیدنش تغییر دهد گناهش تنها بر گردن کسانی است که آن را تغییر می دهند).
۷. این وقف نامه در کنار سایر آثار اهدایی آقای حجت زاده در خزانه موزه ملی ملک نگهداری می شود.

